



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

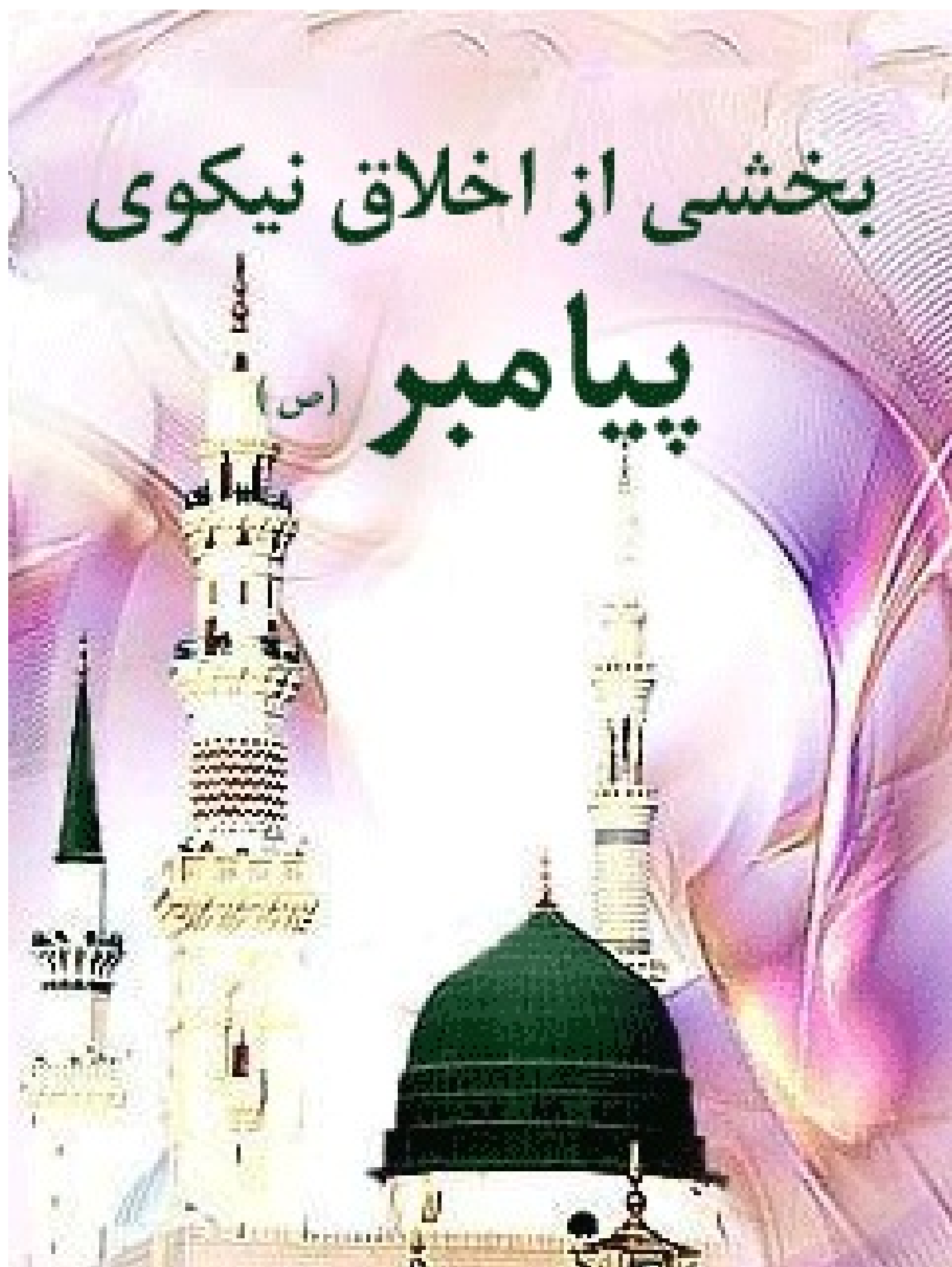


عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بخشی از اخلاق نیکوی

پیامبر (ص)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخشی از اخلاق نیکوی پیامبر (ص)

نویسنده:

واحد تحقیقات موسسه فرهنگی تبیان

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ بخشی از اخلاق نیکوی پیامبر (ص)
۶ مشخصات کتاب
۶ بخشی از اخلاق نیکوی پیامبر
۷ پاورقی
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بخشی از اخلاق نیکوی پیامبر (ص)

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

عنوان و شرح مسئولیت: بخشی از اخلاق نیکوی پیامبر [منبع الکترونیکی]

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱ بایگانی: ۲۳.۵KB)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام

بخشی از اخلاق نیکوی پیامبر

اخلاقیاتی که بعضی از دانشمندان و فقها آنها را گرد آورده اند و از بعضی اخبار آنها را برگزیده اند. غزالی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله بردبارترین [۱]، شجاعترین [۲]، عادلترین [۳]، و پاکدامن ترین مردم بوده است. با هیچ زنی که او را در ملکیت خود نداشت و یا به همسری خود درنیاورده بود و یا از خویشاوندان محرم او نبود، تماس نداشت. [۴] از همه مردم بخشنده تر بود، هیچ دینار و درهمی شب در نزد او نمی ماند و اگر وجهی زیاد می آمد و کسی را پیدا نمی کرد که به او بدهد و شب ناگهان می رسید به خانه نمی رفت تا آن را به نیازمندش می رساند [۵] و از آنچه خدا به او داده بود تنها به مقدار قوت سالانه خود از ساده ترین چیزی که در دسترس بود از خرما و جو برداشت می کرد و بقیه آن را در راه خدا می داد. [۶] کسی از او چیزی نمی خواست مگر این که به او می داد. [۷] آنگاه به قوت سالانه خود می پرداخت و از آن هم ایشار می کرد، و چه بسا که خود پیش از پایان سال، اگر چیزی به او نمی رسید محتاج می شد. [۸] به دست خویش کفشش را وصله می زد و جامه اش را می دوخت و در امور خانه به خانواده خود خدمت می کرد [۹] و با همسران گوشت خرد می کرد. [۱۰] از همه کس با حیاطر بود، به چهره کسی خیره نمی شد [۱۱] و دعوت آزاده و برده را می پذیرفت. [۱۲] و هدیه را قبول می کرد اگر چه یک جرعه شیر بود و در برابر آن هدیه می داد. مال صدقه را نمی خورد. [۱۳] و در پاسخ دادن به سخن کنیز و فرد تهی دست تکبر نمی ورزید. [۱۴] برای پروردگار خشمگین می شد، نه برای خود. [۱۵] حق را اجرا می کرد اگر چه به زیان خود یا اصحابش تمام می شد. [۱۶] از طرف گروهی از مشرکین پیشنهاد کمک در مقابل گروه دیگری از مشرکین به آن حضرت شد در حالی که او کم باور بود و حتی به یک فرد نیازمند بود تا بر یارانش بیفزاید اما نپذیرفت و فرمود: «من از مشرک کمک نمی طلبم.» [۱۷] جنازه یکی از فضلالی اصحاب و نیکانشان که در بین یهودیان کشته شده بود پیدا شد، بر ایشان از راه ظلم وارد نشد و علاوه بر حق از آنها نخواست و صد شتر دیه پرداخت کرد در حالی که اصحاب آن حضرت به یک شتر نیازمند بودند تا باعث تقویت آنها شود، [۱۸] و از گرسنگی سنگ به شکم مبارکش می بست، [۱۹]. هر خوراکی را که حاضر بود میل می کرد، درباره آنچه موجود بود نمی پرسید و آن را رد نمی کرد و از خوردن غذای حلال خودداری نمی فرمود. اگر خرمایی بدون نان به دستش می رسید میل می کرد و اگر کبابی پیدا می کرد می خورد و اگر نان گندم یا جو موجود بود می خورد و اگر حلوا و یا عسلی بود می خورد و اگر شیر بدون نانی می یافت به آن اکتفا می کرد و اگر خربزه تازه ای بود، می خورد. [۲۰] در وقت غذا خوردن تکیه نمی داد و روی سفره نمی نشست بلکه حوله ای زیر پاهایش می انداخت. [۲۱]. از نان گندم سه روز متوالی سیر نخورد تا به دیدار خدا شتافت و این اعمال را از باب ایشار و به خاطر کمک به دیگران می کرد نه به دلیل فقر و نه به سبب بخل [۲۲] دعوت به مهمانی را قبول می کرد [۲۳] و به عیادت بیماران می رفت، و تشیع جنازه می کرد. [۲۴] در بین دشمنانش تنها و بدون پاسدار راه می رفت، [۲۵] از همه مردم متواضع تر بود و از همه ساکت تر اما نه از راه کبر [۲۶] و سخنش رساتر از همه بود بدون کلام زاید [۲۷] و خوشروتر از همه مردم بود؛ [۲۸] هیچ امری از امور دنیا او

را وحشت زده نمی ساخت. [۲۹] هر لباسی که ممکن بود می پوشید؛ گاهی پارچه ای به دور خود می پیچید و گاهی برد مخصوص یمنی و گاهی جبه پشمی، هر پوشیدنی ای را که از راه مباح در اختیار داشت می پوشید. [۳۰] انگشتری اش نقره بود، [۳۱] که به انگشت کوچک دست راست و چپش می کرد. [۳۲] بر پشت مرکب خود، برده و غیر برده را سوار می کرد. [۳۳] بر هر چه ممکنش بود، از قبیل اسب، شتر، استر شهباء و الاغ، سوار می شد و گاهی پیاده و با پای برهنه بدون ردا و عمامه و کلاه راه می رفت. از بیماران در دورترین نقطه شهر عبادت می کرد. [۳۴] بوی خوش را دوست می داشت و از بوهای بد ناراحت می شد. [۳۵] با تهیدستان همنشین و با مستمندان هم خوراک می شد، [۳۶] و صاحبان فضیلت را برای اخلاق خوبشان گرامی می داشت و با شرافتمندان به نیکوکاری برخورد می کرد. [۳۷] با خویشاوندان صله رحم می کرد بدون این که دیگران را بر ایشان مقدم بدارد. [۳۸] بر کسی ستم روا نمی داشت. [۳۹] هر که از او معذرت می خواست، عذرش را می پذیرفت. [۴۰] شوخی می کرد ولی جز سخن حق نمی گفت. [۴۱] می خندید اما نه با صدای بلند. [۴۲] بازی مباح و مجاز را می دید و نهی نمی فرمود. [۴۳] کسی با صدای بلند با آن حضرت صحبت می کرد، تحمل می فرمود. [۴۴] یک ماده شتر و گوسفندی داشت که خود و اعضای خانواده اش از شیر آنها تغذیه می کردند. [۴۵] غلامان و کنیزانی داشت، از نظر خوراک و پوشاک بر آنها برتری نداشت، [۴۶] جز در کار خدایی و یا کاری که ناگزیر بر صلاح خودش بود، وقت را نمی گذراند. [۴۷] به باغهای اصحابش تشریف می برد. [۴۸] هیچ مستمندی را به سبب بی چیزی و درماندگی اش تحقیر نمی کرد، و هیچ شاهی را به سبب سلطنتش اهمیت نمی داد، برای هر دو، در پیشگاه خدا یک نوع دعا می کرد. [۴۹]. خداوند اخلاق خوب و سیاست کامل را در آن حضرت با وجود این که بی سواد بود جمع کرد، نه می توانست بنویسد و نه بخواند، در مناطق کوهستانی و بیابانهای خشک [۵۰]، در حال گوسفند چرانی و یتیمی که نه پدر داشت و نه مادر، بزرگ شد. پس خداوند تمام اخلاق نیک و راه و رسم پسندیده و شرح حال گذشتگان و آیندگان، و آنچه را که باعث نجات و رستگاری در آخرت و غبطه در امر خیر و موفقیت در دنیا بود و با واجب و ترک امور زاید ارتباط داشت به آن حضرت آموخت، خداوند ما را به اطلاعات از دستور او و پیروی از رفتار او، موفق بدارد. «آمین رب العالمین».

پاورقی

- [۱] این حدیث را ابوالشیخ در کتاب اخلاق رسول الله صلی الله علیه و اله آورده است. «المغنی».
- [۲] این حدیث را مسلم، ج ۲، ص ۷۲ از قول انس نقل کرده و بخاری نیز نظیر آن را آورده است.
- [۳] این حدیث را ترمذی در «الشمائل» از قول حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ضمن حدیث طولانی راجع به اوصاف پیامبر صلی الله علیه و اله نقل کرده است.
- [۴] مسلم و بخاری این حدیث را از قول علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده اند و در حدیث عایشه آمده: پیامبر صلی الله علیه و اله جز با زنی که مالک بود تماس نگرفت.
- [۵] این حدیث را طبرانی در «الاوسط» نقل کرده است.
- [۶] این حدیث را ابوداؤد، در ج ۲، ص ۱۵۲ ضمن حدیث طولانی از قول بلال نقل کرده است.
- [۷] این حدیث را بخاری به روش خود در کتاب «النفقات» از صحیح خویش ج ۷، ص ۱۸۱ از قول عمر نقل کرده و مسلم نیز نظیر آن را آورده است.
- [۸] این حدیث را ترمذی و ابن ماجه از قول ابن عباس نقل کرده اند.
- [۹] این حدیث را احمد در مسند عایشه و صدوق در خصال ج ۱، ص ۱۳۰ و بخاری در ج ۷، ص ۸۵ و ج ۸ ص ۱۲۱ نقل کرده است.]

- [۱۰] این حدیث را ترمذی در ج ۸، ص ۳۱ و احمد از قول عایشه نقل کرده است.
- [۱۱] بخاری، در ج ۶، ص ۲۲۵ و مسلم در ج ۷، ص ۷۷ مطلبی شامل این مضمون آورده اند.
- [۱۲] ترمذی در «الشمال» ص ۲۳ و ابن ماجه و حاکم این حدیث را از انس نقل کرده اند.
- [۱۳] این حدیث را بخاری در ج ۳، ص ۱۹۲ و ۱۹۵ صحیح خود آورده است.
- [۱۴] این حدیث را حاکم نقل کرده و قبلا گذشت.
- [۱۵] این حدیث را ترمذی چنین نقل کرده: دنیا و مال دنیا او را خشمگین نمی کرد و در برابر تجاوز به حق چیزی جلو خشم او را نمی گرفت.
- [۱۶] مسلم این حدیث را در ج ۵، ص ۲۰۱ از قول عایشه نقل کرده است.
- [۱۷] این حدیث را مسلم در ج ۵، ص ۹۸ از حدیث سهل بن ابی حثمه نقل کرده است.
- [۱۸] این حدیث را مسلم در ج ۵، ص ۹۸ از حدیث سهل بن ابی حثمه نقل کرده است.
- [۱۹] این حدیث را بخاری در ج ۵، ص ۱۳۸ ضمن داستان کندن خندق نقل کرده و طبرانی در حدیث طولانی - به طوری که در «مجمع الزوائد» ج ۶، ص ۱۳۱ آمده - با سند معتبری نقل کرده است.
- [۲۰] درباره تمام این مطالب به «المواهب اللدنیة قسطلانی»، ج ۱، ص ۳۰۸ «فصل ما تدعو ضرورته الیه صلی الله علیه و اله» مراجعه کنید.
- [۲۱] به سند این حدیث برخورد نکردم، عراقی گوید: چنین عملی را بین اعمال پیامبر سراغ ندارم قول معروف نوشته ابن ماجه است از قول جابر که ما در زمان رسول خدا کمتر پیش می آید که طعامی داشته باشیم و اگر هم داشتیم، جز دست و ساعد خود چیزی برای گستردن نداشتیم.
- [۲۲] در امالی صدوق، ص ۱۹۲ نظیر این حدیث آمده است.
- [۲۳] این حدیث در آداب خوردن ص ۷ گذشت، با این عبارت: «(لودعیت الی کراع لا جبت)».
- [۲۴] این حدیث را ترمذی در ج ۴، ص ۲۳۵ و ابن ماجه به شماره ۴۱۷۸ نقل کرده اند.
- [۲۵] به کتاب «المواهب اللدنیة»، ج ۱، ص ۳۰۲ مراجعه کنید، حاکم در ج ۳، ص ۳۱۳ از عایشه نقل کرده می گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله نگهبان داشت تا این که آیه «(الله عصمک من الناس)» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و اله سر از گنبد در آورد و فرمود: مردم، بروید خداوند نگهدار من است.
- [۲۶] در کتاب «شمائل ترمذی» ص ۲۳ و همچنین در کتاب «الشمال ابوالحسن بن ضحاک» نظیر این مطلب آمده است.
- [۲۷] در صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱ و سنن ابی داوود آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و اله حدیث را برای وعده معاد می فرمود نه برای عده و رقم» سند این حدیث صحیح است. و در حدیث هند بن ابی هاله آمده است: پیامبر فصلی سخنان کوتاه و پر معنی فرمود بی کم و زیاد. «المعانی» صدوق ص ۸۱ و «الشمال» ترمذی ص ۱۵.
- [۲۸] حدیثی با این عبارت ترمذی در «الشمال» ص ۱۶ از قول عبدالله بن جزء آورده: من کسی را متبسم تر از رسول خدا صلی الله علیه و اله ندیدم.
- [۲۹] احمد در مسند عایشه به این مضمون مطلبی را نقل کرده است.
- [۳۰] به «الشمال» ترمذی ص ۶ و صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۴۵ مراجعه کنید.
- [۳۱] این حدیث را مسلم در ج ۶ ص ۱۵۱ آورده است.
- [۳۲] این حدیث را ترمذی در «الشمال» ص ۷ و مسلم در ج ۶ ص ۱۵۲ صحیح خود نقل کرده اند.

[۳۳] این حدیث را بخاری در ج ۶ ص ۴۹ و ج ۴ ص ۶۷، صحیح خود آورده است.

[۳۴] در این مورد، مسلم در ج ۳، ص ۶۰ از حدیث جابر بن سمره نقل کرده است، پیامبر صلی الله علیه و اله سوار بر اسب برهنه ای بود موقعی که از تشییع جنازه ابن دحداح بر می گشت و از قول سهل بن سعد نیز نقل کرده است: «پیامبر صلی الله علیه و اله اسبی داشت به نام لحیف» و از قول ابن عباس آورده است: «پیامبر صلی الله علیه و اله در حجة الوداع در حالی که بر شتری سوار بود، طواف می کرد.» در ج ۵، ص ۱۶۷ از قول براء نقل کرده است: «پیامبر صلی الله علیه و اله را سوار بر استر سفید در روز حنین دیدم» و از حدیث اسامه نقل کرده: «پیامبر صلی الله علیه و اله سوار بر الاغی بود و در زیر، پالانی داشت» و از حدیث ابن عمر نقل کرده: «آن حضرت سواره و پیاده به مسجد قبا می آمد» و نیز در ج ۳، ص ۲۰ از قول وی در عیادت از سعد بن عباده نقل کرده: «پیامبر برخاست و ما که ده و اندی نفر بودیم به همراه او برخاستیم و بی کفش و جوراب و کلاه و پیراهن در زمینی شوره زار می رفتیم.»

[۳۵] این خبر که حضرت «زنان و بوی خوش را دوست داشت» معروف است. نسائی، و ابوداوود آن را نقل کرده اند و قبلاً گذشت. ابن عدی از عایشه نقل کرده: «پیامبر صلی الله علیه و اله دوست نداشت جز بوی خوش داشته باشد» و نیز بد آمدنش از بوی سیر معروف است. مسلم و بخاری آن را در احکام مساجد نقل کرده اند، بخاری در ج ۷، ص ۲۱۱ از قول انس نقل می کند: «اگر کسی به آن حضرت عطر تعارف می کرد، رد نمی فرمود» در مسند، طیالسی ص ۲۱۸ شماره ۱۵۵۹ به سند خود از عایشه نقل کرده و می گوید: برای پیامبر صلی الله علیه و اله رواندازی سیاه از پشم ساختم، پوشیده خوشش آمد، چون عرق کرد، برد یمنی داد، آن را دور انداختم. در آن جا ص ۲۷۷ شماره ۲۰۸۱ از انس نقل شده می گوید: «ندیدم کسی به رسول خدا صلی الله علیه و اله عطر تعارف نماید و او رد کند.»

[۳۶] هم خوراکی آن حضرت را با مساکین بخاری در ج ۸ ص ۱۲۰ از حدیث ابوهریره نقل کرده، می گوید: «اصحاب الصغه، مهمانان اسلام، زن و فرزند کس و کاری نداشتند، وقتی صدقه ای می رسید، پیامبر صلی الله علیه و اله برای آنها می فرستاد و خود میل نمی کرد و اگر هدیه ای می آوردند، برای آنها می فرستاد و خود نیز استفاده می کرد و با آنها شریک می شد.»

[۳۷] این حدیث را ترمذی در «الشمائل» ضمن حدیث طولانی در وصف آن حضرت آورده است.

[۳۸] در مستدرک حاکم ج ۳، ص ۳۲۴ از قول ابن عباس آمده: «آن حضرت، عباس را مانند احترام فرزند به پدر، احترام می کرد.» و از قول سعد بن ابی وقاص است: «آن حضرت، عمویش عباس و دیگران را از مسجد بیرون کرد، عباس گفت: ما را که فامیل و عمومی تو هستیم بیرون می کنی و علی را در مسجد جا می دهی؟ فرمود: من شما را بیرون نمی کنم و او را ساکن نمی سازم...»

[۳۹] نظیر این حدیث را ابوداوود، در ج ۲، ص ۵۵۰ از قول انس و عایشه نقل کرده است.

[۴۰] این حدیث را بخاری در ج ۶، ص ۸۹ ضمن داستان کعب بن مالک، هلال بن امیه و مرارة بن ربیع - که هر سه نفر تخلف کردند - نقل کرده است. به «درالمنثور»، ج ۳، ص ۲۸۶ مراجعه کنید.

[۴۱] این حدیث را ترمذی در ج ۸، ص ۱۵۷ نقل کرده است.

[۴۲] این حدیث را بخاری، در ج ۶، ص ۱۶۷ از قول عایشه نقل کرده، گوید: هرگز از پیامبر صلی الله علیه و اله خنده ندیدم مگر وقت شادمانی اش که لبخند می زد و در حدیث هند بن ابی جعاله که در «الشمائل» ترمذی، ص ۱۶ آمده است: «خنده اش لبخند بود.»

[۴۳] این موضوع ذاتا درست است، در مسند طیالسی، ص ۲۱۷ نظیر این مطلب آمده ولی عراقی به داستان بازی حبشیها در حضور پیامبر صلی الله علیه و اله اشاره کرده و به گفته آن حضرت که فرمود: «بس کنید بچه حیوانها!» که این داستان خرافی و افترا بر رسول خدا صلی الله علیه و اله و گستاخی بر خداست و در صحیح مسلم؛ ج ۳، ص ۲۲ و صحیح بخاری؛ ج ۲ ص ۲۰ و سنن نسائی، ج ۳، ص ۱۹۵ «باب اللعب فی المسجد» آمده است.

[۴۴] این حدیث را بخاری در ج ۶، ص ۱۷۱ نقل کرده و ابن منذر و طبرانی از ابن ابی ملیکه نقل کرده اند می گوید: «تزدیک بود که دو کار خیر ابوبکر و عمر را هلاک سازد، این دو تن در نزد پیامبر صلی الله علیه و اله صدایشان را بلند کردند موقعی که سواران بنی تمیم نزد پیامبر آمدند یکی از آن دو نفر به اقرع بن حابس و آن یکی به مرد دیگری اشاره کرد، آنگاه ابوبکر و عمر گفت، تو جز مخالفت با من غرضی نداشتی عمر گفت: قصد من مخالفت با تو نبود، صدایشان از این بابت بلند شد، پس خداوند آیه: «یا ایها الذین آمنوا لاترفعوا اصواتکم...» را نازل کرد. به «درالمنثور»، ج ۶، ص ۸۹ مراجعه کنید.

[۴۵] نظیر این حدیث را محمد بن سعید در «الطبقات» از قول ام سلمه نقل کرده است.

[۴۶] ترمذی در «الشمال» از قول ابوسعید خدری با سند ضعیف نقل کرده است: «پیامبر صلی الله علیه و اله با خدمتگزاران غذا می خورد.» و در «الطبقات» از قول سلمی و دیگران نظیر این حدیث را نقل کرده است.

[۴۷] ترمذی در «الشمال»، ص ۲۴ از حسن بن علی علیه السلام و صدوق نیز در «المعانی» نظیر این حدیث را آورده است.

[۴۸] این حدیث را ترمذی در «السنن» ضمن داستان آمدن پیامبر با جمعی از صحابه به خانه ابوالهیثم بن تیهان و ابویوب نقل کرده و مسلم نیز نقل کرده و بخاری در ج ۸، ص ۲۶ از انس نقل کرده است: «رسول خدا صلی الله علیه و اله از خانواده ای از انصار دیدن کرد و نزد آنها غذا خورد.»

[۴۹] بخاری در ج ۷، ص ۹ از حدیث سهل بن سعد نقل کرده، می گوید: مردی بر رسول خدا صلی الله علیه و اله گذشت، پرسید: چه می گوید درباره این شخص؟ گفتند: او شایسته است که اگر از زنی خواستگاری کرد قبول کنند و اگر از کسی وساطت کرد پذیرد و اگر سخنی گفت، گوش دهند. می گوید: سپس پیامبر صلی الله علیه و اله ساکت شد، مردی از مستمندان مسلمان گذر کرد، فرمود: درباره این شخص چه می گوید؟ گفتند: سزاوار است که اگر از زنی خواستگاری کرد، قبول نکنند و اگر واسطه شد، نپذیرند و اگر سخنی گفت، گوش فرا ندهند، رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: اما اگر تمام روی زمین از اقران آن مردم پر باشد، این یکی از همه آنها بهتر است. اما نترسی پیامبر: او به پادشاهان، فرمانروایان و به هر ستمگری بدون ترس و بیم نامه نوشت که معروف است، به صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۶ و «جمهره رسائل العرب»، ج ۱، ص ۳۲ - ۷۲ مراجعه کنید.

[۵۰] در «احیاء العلوم» و بعضی از نسخه های این کتاب، عوض بلاد جبل، بلا جهل آمده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

